

<https://www.aftabekherad.ir>

The Place of Hajj in the Public Diplomacy of the Islamic Republic of Iran

Abbas Sarvestani

PhD student in regional studies at the University of Tehran and expert in Hajj and pilgrimage

Majid Marzani

Master's degree graduate from Islamic Azad University and expert in Hajj and Pilgrimage

Received: 2021/08/29

Accepted: 2021/09/22

Abstract

Talking about culture and the place of cultural elements in international relations and foreign policy is an easy and unavoidable matter, because on the one hand, the dynamism and complexity of culture and the lack of a precise definition of this multifaceted concept have made its use as an analytical tool problematic, and on the other hand, international relations theorists, especially the traditional and dominant schools in this field, have placed little value on raising the issue of culture in theorizing, and the role of cultural components, like political, security, and economic factors, is not as prominent in traditional theories of international relations. Despite the neglect of the cultural dimension in traditional theories of international relations, in the final decades of the twentieth century, the expansion of mass communication networks, widespread migrations, and an unprecedented increase in cultural contacts at the international level, the fusion of trade, culture, and politics, and its reflection in the foreign policy of countries, the process of globalization, and cultural particularism have doubled the necessity of examining the relations between culture and power at the international level, and have led to increasing attention to the category of culture for the analysis of international issues. These rapid and dramatic developments, which are so-called "globalization" and sometimes "globalization", have not only created substantial and fundamental changes in the field of decision-making, structure, and actors of world politics, and have transformed non-state actors such as non-governmental organizations, international civil society institutions, ethnic and religious groups, etc., along with states, into undisputed actors in the international system; they have also changed the traditional concepts of international relations. Among these concepts, we can mention the concept of diplomacy.

The process of globalization has caused a transition from universalism to particularism and the evolution of the concept of diplomacy from official and intergovernmental diplomacy to public diplomacy, media diplomacy, cultural diplomacy, etc. In this article, while explaining the concept of public diplomacy, we will examine the role and position of Hajj in the public diplomacy of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Hajj, diplomacy, Hajj diplomacy, public diplomacy, soft power.

جایگاه حج در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران

عباس سروستانی^۱

مجیدمرزانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷

چکیده

صحبت از فرهنگ و جایگاه عناصر فرهنگی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی امری سهل و ممتنع است، چرا که از یک سو پویایی و پیچیدگی فرهنگ و نبود تعریف دقیق از این مفهوم چند وجهی، استفاده از آن را به عنوان یک ابزار تحلیلی مشکل‌ساز کرده است و از سوی دیگر نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل و به خصوص مکاتب سنتی و غالب در این حوزه، بهای کمی برای طرح موضوع فرهنگ در نظریه‌پردازی قائل شده‌اند و نقش مؤلفه‌های فرهنگی همانند عوامل سیاسی، امنیتی و اقتصادی در نظریه‌های سنتی روابط بین‌الملل پررنگ نیست. علی‌رغم نادیده گرفتن بعد فرهنگ در نظریه‌های سنتی روابط بین‌الملل، در دهه‌های پایانی قرن بیستم، گسترش شبکه‌های ارتباطی جمعی، مهاجرت‌های گسترده و افزایش بی‌سابقه ارتباطات فرهنگی در سطح بین‌المللی، آمیختگی میان تجارت، فرهنگ و سیاست و بازتاب آن در سیاست خارجی کشورها، پروسه جهانی شدن و خاص‌گرائی فرهنگی ضرورت بررسی روابط میان فرهنگ و قدرت در سطح بین‌المللی را دوچندان ساخته و باعث توجه فزاینده به مقوله فرهنگ برای تحلیل مسائل بین‌المللی شده است. این تحولات سریع و شگرف که اصطلاحاً از آن به عنوان «جهانی شدن» و بعضاً «جهانی سازی» یاد می‌شود، نه تنها تغییرات ماهوی و بنیادینی را در عرصه تصمیم‌گیری و ساختار و بازیگران سیاست جهانی بوجود آورد و بازیگران غیر دولتی از قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر دولتی، نهادهای جامعه مدنی بین‌المللی، گروه‌های قومی و مذهبی و ... را هم‌عرض دولت‌ها به بازیگران بلامنازع نظام بین‌الملل تبدیل کرد؛ بلکه مفاهیم سنتی روابط بین‌الملل را نیز دستخوش تغییر ساخت. از جمله این مفاهیم می‌توان به مفهوم دیپلماسی اشاره کرد.

فرآیند جهانی شدن باعث گذار از عام‌گرائی به خاص‌گرائی و تطور مفهوم دیپلماسی از دیپلماسی رسمی و بین‌دولتی به دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و ... شده است. در این مقاله ضمن تشریح مفهوم دیپلماسی عمومی، به بررسی نقش و جایگاه حج در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: حج، دیپلماسی، دیپلماسی حج، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم.

^۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و کارشناس حج و زیارت.

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس حج و زیارت.

مقدمه

حج یکی از مهمترین کنش‌های جمعی مسلمانان است که در زمانی مشخص و در مکانی واحد ملت‌ها، کشورها، افراد و اجزای جوامع اسلامی و مسلمانان کشورهای مختلف در آن گرد هم می‌آیند تا اعمال، آئین‌ها، مناسک و رفتارهای مشترکی را به نمایش بگذارند. این اجتماع را می‌توان در زمره یکی از مهمترین اجتماعات بشری دانست که هر ساله تکرار می‌شود و مسلمانان صرف‌نظر از تعلقات و هویت‌های اجتماعی و صرفاً به دلیل بهره‌مندی از ارزش‌های مشترک، همپا و همراه دیگر رفتارها و دل‌بستگی‌هایی را به اشتراک می‌گذارند. در این مناسک نام نیست، هویت جایگاهی ندارد، لباس، نژاد، ملیت و هیچ عنصر دیگری بین آنها تمایز و انفکاک ایجاد نکرده و در معنایی مشترک و واحد در کنار یکدیگر، رفتارهای مذهبی و الهی خود را انجام می‌دهند. ارزش‌های مشترک و اهداف و غایت‌های یگانه عاملیست برای زدودن ذهنیت‌ها، و رسیدن به اهداف و رویکردهای مشترک که می‌تواند عاملی برای نزدیکی، همگرایی، تقویت عواطف متقابل، آگاهی و شناخت از یکدیگر و رسیدن به درکی مشترک از شرایط، روابط و بایدهای جمعی. گرچه بالقوه این شرایط برای مسلمانان فرصتی بی‌نظیر آفریده است تا با تجمیع حول کلان‌گفتمان دینی، حقایق مشترک را مورد تأکید قرار داده و با همدلی دامنه تمایزات و ذهنیت‌ها را به حداقل برسانند، اما فقدان الگویی مشترک، عدم آمادگی لازم روانی، عدم فرهنگ‌سازی مناسب، مداخله دولت‌ها برای ممانعت از ارتباط و انتقال رویکردها، تمایزات زبانی و هویتی، سرگرم شدن به مناسک و عدم تفهّم کافی به فلسفه بنیادین حج از جانب بخش کثیری از حجاج و عدم برنامه‌ریزی هوشمندانه برای بهره‌گیری فرصتی از این اجتماع بی‌نظیر جهانی سبب گردیده، مسلمانان نتوانند به رویکردهای مشترک و قدرت جمعی ناشی از آن دست یازند. دیپلماسی عمومی امروزه به الگویی غالب در روابط بین‌الملل تبدیل گردیده و قدرت‌های بزرگ با استعانت از ابزارهای رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی جهانی و ساخت‌دهی حول سازمان‌های داوطلبانه، نمادسازی‌های مشترک و ایجاد اهداف و ارزش‌های مشترک، ... تلاش دارند ضمن تسری فرهنگ و هنجارهای خود، در این اجتماعات نفوذ کرده و دامنه قدرت نرم خود را گسترش دهند. این در حالیست که مسلمانان چه در حج تمتع (واجب) چه در عمره که دایره‌ای وسیع از ارتباطات چهره‌به‌چهره را تجربه می‌کنند، میدان بسیار مناسبی برای تعامل، انتقال دغدغه‌ها، رسیدن به رویکردهای مشترک و تجمیع منابع قدرت و افکار و اندیشه‌های خود است. برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری مناسب و رسیدن به رویکردی مناسب از جانب مسئولان جهان اسلام این فرایند را تسهیل خواهد کرد. گرچه امروزه از این ظرفیت و فرصت هیچگونه استفاده نمی‌شود و تمامی تلاش‌ها بر این

امر متمرکز است که حج در قالب مناسک و آئین‌های نمادین آن برگزار و کارکردهای غیرجمعی آن برجستگی دارد، اما تأمل در آنچه که در فرایند حج به عنوان یک فرصت بی‌نظیر در اختیار مسلمانان جهان قرار می‌دهد، اهمیت قدرت نرم مسلمانان برای غلبه بر مشکلات، اختلالات ارتباطی و رسیدن به اهداف و رویکردهای مشترک را اقتضا می‌نماید.

دیپلماسی حج که در قالب دیپلماسی عمومی امکان وقوع دارد، الگویی است بسیار مؤثر برای تعمیق ارتباطات، برجسته‌سازی ارزش‌ها، رسیدن به اهداف و غایت‌های مشترک، شناخت و اطلاع از وضعیت، تداوم ارتباطات و پیگیری اهداف و اقدامات مشترک در اجتماعات و کشورهای گوناگون است. این گزارش نگاهی مقدماتی دارد به ضرورت‌ها، روش‌ها و تبیین فرصت‌هایی که می‌تواند در قالب دیپلماسی حج مورد توجه قرار گرفته و کارکردهای بی‌نظیر آن را فعال نماید.

۱- مفهوم دیپلماسی عمومی

عبارت دیپلماسی عمومی در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل اصطلاحی است که در دهه ۱۹۶۰ عمدتاً برای توصیف جنبه‌های جدید دیپلماسی بین‌المللی رایج شد و عبارت است از ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی. با این تعریف، مسائلی از قبیل ارتباط میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی، تبادل دانشجو و ... همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث است (Wolf & Rosen, 2004).

شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده تا کشورها، نیاز بیشتری برای ارتباط با گروه‌های اجتماعی کشورهای هدف پیدا کنند. مقام‌های کشورهای گوناگون بسته به توان خود تلاش دارند تا علاوه بر قدرت نظامی و اقتصادی، از ظرفیت‌های قدرت نرم برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود بهره ببرند. برخی، دیپلماسی عمومی را برنامه‌ریزی استراتژیک و اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی توسط یک کشور حامی برای افکار عمومی در یک کشور هدف می‌دانند، به گونه‌ای که رهبران سیاسی کشور هدف را قادر به تصمیم‌گیری حمایت‌گرانه و پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی کشور حامی سازد. دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها دانسته شده که هدف از آن استقرار و استمرار روابط طولانی‌مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام مورد نظر با جوامع دیگر است. در هر صورت باید توجه داشت که

دیپلماسی عمومی از اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی سنتی حمایت می‌کند. چارلز کیگلی^۱ معتقد است دیپلماسی عمومی به نوعی شکل جدیدی از تبلیغات است که به معنای گسترش نظام‌مند اطلاعات به منظور تأثیرگذاری بر افکار عمومی است. وی ابزارهای نفوذ یک کشور بر کشور دیگر را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کند. بر این اساس دخالت آشکار نظامی زیر بخش نفوذ رسمی؛ و کمک اقتصادی، کمک نظامی، دخالت پنهان اطلاعاتی و سرانجام نفوذ آشکار یا دیپلماسی عمومی زیر بخش نفوذ غیررسمی برشمرده می‌شود (آشنا، ۱۳۸۳: ۷).

رابرت کوهن و جوزف نای معتقدند که انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی به عنوان پدیده‌ای ملموس، فراگیر و مؤثر، تأثیر بسزائی بر منابع قدرت می‌گذارد و در قرن ۲۱ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مهمترین منبع قدرت شناخته می‌شوند. قدرت نرم به گونه‌ای محسوس در اقلان فرهنگ‌ها از طریق برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و ... اثرگذار است. بنابراین سازوکارهای این فناوری نظیر: ماهواره‌ها، امواج نامرئی شبکه‌های الکترونیکی جهانی، تارو پوذهای قدرت تمدن‌های آینده را تشکیل می‌دهند (Keohane & Nye, 1998:17-18).

قدرت نرم^۲، امپریالیسم فرهنگی و به تعبیر گرامشی «هژمونی فرهنگی» سه مفهوم نزدیک و دارای حوزه معنایی کم و بیش مشترکی هستند که ارتباط نزدیکی با مفهوم دیپلماسی عمومی دارند. آن چه از فحوای کلمات اندیشمندان در توضیح واژه نسبتاً جدید «قدرت نرم» برمی‌آید، این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارایه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. این قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و در مواردی قدرت اقتصادی و به عبارتی قدرت سخت و خشن به کار می‌رود (فروند، ۱۳۶۸: ۲۴۴). ژوزف نای قدرت نرم را چهره دوم قدرت می‌داند که مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک و ارزش‌های جهان‌شمول نظیر حقوق بشر و مردم‌سالاری را در بر می‌گیرد (Nye, 1991:32). بر اساس دیدگاه نای، دیپلماسی عمومی با بهره‌گیری از جذابیت‌های قدرت نرم، می‌تواند برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و گسترش همکاری سود جوید. نای منابع قدرت نرم را به سه دسته تقسیم می‌کند: فرهنگ، ارزش‌های بنیادین و سیاست‌ها (Nye, 2004: 116-117).

به طور خلاصه دیپلماسی عمومی می‌تواند به محدوده‌ای دسترسی پیدا کند که دیپلماسی سنتی نمی‌تواند. در این دیپلماسی بخشی از مخاطبان، افراد و نهادهای غیردولتی حضور دارند که برقراری ارتباط با آنها نیازمند

^۱. Charles Kegley
^۲. Soft Power

مهارت‌های خاص خود است. از مهم‌ترین ویژگی‌های دیپلماسی عمومی، شفافیت و تلاش برای انتشار اطلاعات است، در حالی که در دیپلماسی سنتی ابهام و ویژگی مهمی به شمار می‌رود. موضوعات و مسائل دیپلماسی سنتی در ارتباط با سیاست‌ها و رفتار دولت‌های دیگر است، اما در دیپلماسی عمومی مسئله نگرش و رفتار افکار عمومی خارجی است و در جایی که سیاست‌ها و رفتار یک دولت نشئت گرفته از نگرش‌های شهروندان آن است، دیپلماسی عمومی در پی آن است تا با تحت تأثیر قرار دادن شهروندان یک کشور و تغییر نگرش آنها بر رفتار و سیاست‌های آن اثر بگذارد (Henrikson, 2006). مهمترین ویژگی‌های این نوع دیپلماسی جامعه هدف و مخاطبین رسمی و ماهیت شفاف، باز، انعطاف‌پذیر و همکاری‌جویانه آن است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۰: ۷۷).

۲- مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی

اندیشمندان و صاحب‌نظران، مؤلفه‌های متفاوتی از قبیل دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی علم و فناوری، دیپلماسی خط دو و ... را برای دیپلماسی عمومی ذکر کرده‌اند و از این منظر، اجماعی بین صاحب‌نظران عرصه دیپلماسی وجود ندارد. با توجه به این توضیحات، در این بخش با رویکردی تقلیل‌گرایانه به سه مؤلفه دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی خط دو که کمابیش مورد وفاق صاحب‌نظران مختلف است، می‌پردازیم.

۲-۱- دیپلماسی رسانه‌ای^۱

رشد سریع تکنولوژی‌های ارتباطی و ناتوانی دستگاه‌های رسمی دیپلماسی در رقابت با رسانه‌ها، دولت‌ها را با این حقیقت رو به رو کرده که شکل نوینی از دیپلماسی با استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی وارد عرصه معادلات بین‌المللی شده است و رسانه‌ها پدیده‌ای هستند، که به خوبی می‌توان از آن‌ها به عنوان عنصری استراتژیک و تعیین‌کننده در عرصه دیپلماسی عمومی یاد کرد. اصطلاح دیپلماسی رسانه‌ای از بدو تولد با ابهامات و پیچیدگی‌های فراوانی رو به رو بوده است، این ابهامات را می‌توان در دو محور دنبال کرد: اول تأثیر رسانه‌ها بر دیپلماسی که حوزه بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود. دوم کارکرد دیپلماتیک رسانه‌ها که تا حدودی حرفه‌ای‌تر و تخصصی‌تر به موضوع پرداخته است. در مجموع می‌توان گفت دیپلماسی رسانه‌ای «عبارت است از استفاده از رسانه‌ها برای رسیدن به اهداف دیپلماتیک، تأمین منافع، تکمیل و ارتقای سیاست خارجی»

^۱. Media Diplomacy

(اسماعیلی، ۱۳۸۸:۵). دیپلماسی رسانه‌ای شامل: استفاده از رسانه‌ها توسط رهبران به منظور بیان منافع خود در مذاکرات، اعتمادسازی و بسیج عمومی از توافقات می‌شود. دیپلماسی رسانه‌ای از طریق فعالیت‌های متعدد در رسانه‌های عادی و ویژه پیگیری می‌شود، که این فعالیت‌ها شامل کنفرانس‌های مطبوعاتی، مصاحبه‌ها، دیدار سران حکومت‌ها و میانجی‌گران در کشورهای رقیب و رویدادهای رسانه‌ای برانگیزاننده است که برای گشودن عصر جدید در روابط متقابل سازماندهی می‌شود. بسیاری از دولتمردان و سیاستمداران از فن‌آوری رسانه‌ای و دیپلماسی رسانه‌ای برای پیشبرد اهداف کشور خود به طور مستمر و گسترده بهره می‌گیرند و با راه‌اندازی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها، سیاست‌های غلط و یا درست خود را به مخاطبان القاء می‌کنند. دیپلماسی رسانه‌ای به عنوان مهارتی جدید در روابط بین‌الملل می‌تواند بسیاری از شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی‌های رقبا را خنثی و راه رسیدن به اهداف دولتمردان در سیاست خارجی را هموار نماید.

با در نظر گرفتن نقش رسانه‌ها در سیاست خارجی، کارکردهای گوناگونی نظیر بازیگر کنترل‌کننده، محدودکننده، مداخله‌گر، ابزاری و یا مختلط را می‌توان در خصوص رابطه میان رسانه و دیپلماسی در نظر گرفت (قوام، ۱۳۸۴:۱۴).

۲-۲- دیپلماسی فرهنگی^۱

در عصر کنونی، فرهنگ در کنار ارزش‌های بنیادی و سیاست‌های بین‌المللی یکی از منابع مهم قدرت نرم در سیاست خارجی محسوب می‌شود که تحت عنوان دیپلماسی فرهنگی از آن یاد می‌شود و به معنای استفاده از ابزارها و مکانیسم‌های فرهنگی برای معرفی و انتقال فرهنگ و تمدن یک سرزمین به سرزمین و فرهنگ دیگر است. از همین روست که سرمایه‌گذاری‌های کشورهای در زمینه دیپلماسی عمومی و فرهنگی بسیار افزایش یافته و اقبال به این نوع از ابزارهای استیلا و نفوذ نرم اهمیت فراوان یافته است. در این میان توجه به دیپلماسی فرهنگی و نقشی که در جهت تأمین اهداف و منافع یک کشور ایفا می‌کند، بسیار ضروری می‌نماید. در ادبیات روابط بین‌الملل تعاریف مختلفی از دیپلماسی فرهنگی ارائه شده است. فرانک نینکویچ دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزش‌های مشترک می‌داند (Ninkovich, 1996:3). این در حالی است که بنا به تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دوطرفه به منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها

^۱.Cultural Diplomacy

و فهم ارزش‌های آنها و سرانجام، در تعریف میلتون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). دیپلماسی فرهنگی در واقع تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است. در این فرایند، فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه می‌شود و خصوصیات خاص فرهنگی ملت‌ها در سطوح دوجانبه و چندجانبه تبادل می‌یابند (شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۲).

با برداشتی تطبیقی از وجوه مشترک این تعاریف، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دیپلماسی فرهنگی روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است؛ به عبارت دیگر، دیپلماسی فرهنگی آن‌گاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می‌پردازد و آن را سیاست خارجی خود لحاظ کند (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

هدف اساسی دیپلماسی فرهنگی ارائه دیدگاه روشن و موجه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری نظام برای بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل شامل: دولت‌ها، سازمان‌های دولتی بین‌المللی و غیر دولتی، نهادهای جوامع مدنی و افکار عمومی است، به این ترتیب بیهوده نیست که نفوذ و اثرگذاری را دو هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی می‌شمارند. بسیاری از نظریه‌پردازان دیپلماسی فرهنگی را نمونه بارز و اعلا‌ی اعمال قدرت نرم می‌دانند که به کشورها امکان و توان نفوذ در طرف مقابل از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها می‌دهد. منظور از دیپلماسی فرهنگی تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیرگذار کردن بر مردم دیگر کشورها است.

۳-۲- دیپلماسی خط دو^۱

واژه دیپلماسی خط دو را نخستین بار در سال ۱۹۸۱ «جوزف و. مونتویل» به کار برد. او در تعریف خود از دیپلماسی خط دو آن را به تعامل غیر رسمی بین اعضاء دو گروه یا ملت تعبیر کرد که هدف آن حل منازعات میان طرفین از طریق بحث و گفتگو است. او توضیح داد که این شیوه دیپلماسی در حقیقت باید به مثابه کارگاه حل مشکلات، تأثیر بر افکار عمومی و همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و ... نگریسته شود (peter, 2008:3). دیپلماسی خط دو، تعامل میان بازیگران جدید عرصه بین‌المللی را در کنار دولت‌ها در بر می‌گیرد، و ناشناخته‌ترین و در عین حال رو به رشدترین نوع دیپلماسی در جهان امروز است. دیپلماسی خط دو به نوعی

^۱. Track II

از دیپلماسی گفته می‌شود که بازیگران آن را، بخش غیر دولتی تشکیل داده و حوزه‌ها، موضوعات و عرصه‌هایی را در بر می‌گیرد که اغلب در گذشته متولی آن‌ها، دولت‌ها بوده‌اند. با توجه به محدودیت‌های دیپلماسی رسمی و از آنجا که دولت‌ها در جوامع امروز با مشکلات فرایندهای دست به گریبان هستند و امکان حل همه مسائل را ندارند به دنبال راه حل‌هایی هستند به دنبال استفاده از دیپلماسی خط دو و ظرفیت‌های غیر دولتی برای حل مسائل فیما بین هستند (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۸۹).

دیپلماسی خط دو دارای سه تفاوت عمده با دیپلماسی خط یک است: نخست، فرایندی غیر رسمی است که محدودیت‌های فرایند رسمی را ندارد. به همین لحاظ دارای چارچوبی متفاوت و در عین حال، منعطف است. دوم، در دیپلماسی خط دو، افراد غیر رسمی حضور دارند. سوم، گفتگو در دیپلماسی خط دو از تبادل مواضع و استدلال درباره آن‌ها فراتر می‌رود و به عمق موضع‌گیری‌های دو طرف و نگرانی‌ها، ترس‌ها، نیازها، اولویت‌ها، محدودیت‌ها، ارزش‌ها و منافع نهفته در پس این موضع‌گیری‌ها می‌پردازد.

در واقع در دیپلماسی خط دو، دو طرف تلاش می‌کنند از طریق درک مسایل یکدیگر به این امر واقف شوند که کدام رفتار و یا کدام ادبیات طرف مقابل را نگران ساخته و او را به واکنش و یا دارد و یا کدام رفتار، ادبیات و یا موضع‌گیری به تفاهم و اعتماد می‌انجامد. بدین ترتیب دو طرف فارغ از تنش‌ها و مشکلات سیاسی به نوعی ادبیات تنش‌زا میان خود دست می‌یابند و از طریق آن به خلق فضای احترام و درک متقابل از نگرانی‌ها، نیازها، محدودیت‌ها و ارزش‌های خود و نیز حل مشکلات می‌پردازند.

موسم حج را می‌توان نمونه‌ای از دیپلماسی خط دو جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی دانست. در سال‌های اخیر و افزایش تنش میان جمهوری اسلامی ایران و برخی کشورهای اسلامی که در اثر فعالیت‌ها و دسیسه‌های آشکار و پنهان دشمنان اسلام و مسلمانان صورت پذیرفته، فضای حج ابراهیمی و تفکیک مسائل سیاسی از مسائل دینی، فرصت مناسبی برای برقراری ارتباط، مفاهمه، گفتگو و تنش‌زدایی میان دولت ایران و کشورهای اسلامی فراهم کرد. موسم حج علاوه بر آثار و برکات معنوی، برای کشورهای جهان اسلام و به خصوص کشورهای دارای جایگاه در معادلات جهانی و منطقه‌ای فرصتی است تا از ظرفیت‌های دیپلماسی دوجانبه، چندجانبه، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی خط دو جهت تبیین مواضع خود و تقویت مناسبات دوجانبه و چندجانبه و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای استفاده نمایند.

۴-۲- دیپلماسی حج^۱

دیپلماسی حج که گونه‌ای ترکیبی از دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی خط دو است که با هدف اساسی ارائه دیدگاه روشن و موجه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری نظام اسلامی ایران در عرصه حج برای کنشگران مختلف عرصه حج اعم از دولت عربستان، سایر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و غیر دولتی، نهادهای مدنی جوامع اسلامی، افکار عمومی و زائران مسلمان است. دیپلماسی حج در واقع تأمین منافع مورد نظر نظام اسلامی ایران و تشیع با استفاده از فرصت برگزاری کنگره عظیم حج است. به طور خلاصه دیپلماسی حج عبارتست از «تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تاثیرگذاری بر امت اسلامی و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ اصیل اسلامی میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل».

دیپلماسی حج را می‌توان نمونه بارز و اعلا‌ی اعمال قدرت نرم دانست که به نظام پسا انقلابی جمهوری اسلامی ایران امکان و توان تعامل با امت اسلامی را از طریق عناصری چون فرهنگ و معارف، ارزش‌ها و ایده‌های ناب شیعی و انقلاب می‌دهد و از این طریق چهره اصیل ایران اسلامی، تشیع و انقلاب اسلامی را بدرستی به مخاطبان خود بشناساند و نیز داده‌های مناسبی از طرف مقابل به دست آورد تا امکان رصدکردن فرصت‌ها و موانع را فراهم آورد (خانی، ۱۳۸۴: ۵).

دیپلماسی حج یا دیپلماسی زیارت، اصطلاح نوینی در روابط بین‌الملل است که برای توصیف دیدارهای غیررسمی از اماکن مقدس کشورهای که با یکدیگر روابط سردی دارند به کار برده می‌شود. مقامات هند و پاکستان با توجه به خصومت دیرینه دو کشور از این نوع دیپلماسی برای رایزنی با یکدیگر استفاده کرده‌اند. پایه‌گذار این نوع دیپلماسی را، بی نظیر بوتو، نخست وزیر فقید پاکستان دانسته‌اند. در سال‌های اوج منازعات هند و پاکستان بر سر کشمیر و قطع روابط سیاسی طرفین، گاهاً مقامات سیاسی به صورت غیر رسمی و برای زیارت رفت و آمد می‌کردند و در خلال این سفرهای زیارتی، ملاقات‌هایی نیز با مقام‌های سیاسی و امنیتی انجام می‌دادند. در سال ۱۳۹۱ شمسی، آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان برای زیارت آرامگاه درگاه «اجمیر شریف»^۲ یکی از زیارتگاه‌های مهم، وارد کشور هند شد که بعدها، دیگر مقامات پاکستانی از این شیوه

^۱. Hajj Diplomacy

^۲. آرامگاه شیخ خواجه معین‌الدین حسن سجزی چشتی مشهور به خواجه معین‌الدین چشتی در گذشته به سال ۶۳۳ قمری در اجمیر شریف هند. در ایالت راجستان - جی چور واقع شده است. بعضی او را از اهالی سیستان، عده‌ای او را از هرات و بعضی از سمرقند دانسته‌اند اما آنچه مسلم است او فارس‌زبان بود و آثار خود را به زبان فارسی نگاشته است. سال ۵۸۸ قمری همراه لشکریان سلطان معزالدین محمد غوری (هرات) از ایران و افغانستان به هند رفت و در اجمیر ساکن شد. وی یکی از مهم‌ترین و موثرترین طریقه‌های صوفی که هم در تاریخ سیاسی و اجتماعی شبه قاره و هم در تاریخ ادبیات فارسی در آن سامان نقش داشته‌اند و صوفیان پیرو طریقه چشتیه هستند. اولین پیر بزرگی از این طریقت که در هند بساط ارشاد گسترد، سلسله جانشینان معین‌الدین از طریق قطب‌الدین بختیار اوشی و فریدالدین گنج شکر و نظام‌الدین اولیا و نصیرالدین چراغ دهلی ادامه پیدا کرد و در سراسر هند،

برای ملاقات با سران هند بهره‌برداری نموده‌اند (فارس، ۱۳۹۱). در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی از این شیوه برای برقراری ارتباط‌های دو جانبه و چند جانبه با کشورهای منطقه از جمله عربستان و عراق سود برده است.

۳- ظرفیت‌های حج در زمینه دیپلماسی عمومی

۳-۱- حج و تبیین الگوی مردم سالار جمهوری اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اواخر قرن بیستم، گفتمانی معنامحور مبتنی بر عناصر فرهنگی را در روابط بین‌الملل به وجود آورد و تلاش نمود تا با اتخاذ رویکردی انتقادی نسبت به نظام بین‌الملل حاکم و اتخاذ رویکرد تجدید نظرطلبی و دیدگاه‌های نوینی ارائه دهد که مبتنی بر احترام متقابل به حقوق تمامی کشورها بر بستر عدالت و برابری بود. در عرصه داخلی نیز جمهوری اسلامی ایران توانست با تطبیق احکام اسلامی با مقتضیات زمانی و ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی، جاذبه گفتمانی را ایجاد کند که در میان ملت‌های اسلامی از پذیرش و استقبال برخوردار شود. عرضه الگوی مردم‌سالاری دینی و اتخاذ رویکرد تجدیدنظرطلبی در سیاست خارجی از سوی جمهوری اسلامی ایران، قدرت‌های طرفدار وضع موجود را بر آن داشت تا از همان روزهای آغازین تبلیغاتی منفی علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کنند و از جمهوری اسلامی ایران برساخته‌ای منفی نزد افکار عمومی جهان ایجاد کنند. تلاش‌های این نوع دولت‌ها برای واگرایی با جمهوری اسلامی ایران تنها به تبلیغات منفی محدود نشد و این کشورها به همراه برخی نظام‌های محافظه‌کار عرب برای حفظ نظام موجود اقدامات متفاوتی همچون انواع تحریم‌ها و کارشکنی‌ها را از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند. اما ایران با اتخاذ الگوی عقلانیت سیاسی تلاش نمود از طریق دیپلماسی بویژه دیپلماسی عمومی با ملت‌ها ارتباط برقرار کرده و الگوی مشترکی را برای همکاری و همگرایی پدید آورد. یکی از مهمترین عرصه‌های ارتباطی، مراسم عبادی- سیاسی حج بوده است و امام خمینی(ره) همواره در صدد بود تا از این مراسم برای ایجاد ارتباط با مسلمانان بهره ببرد.

۱- پاکستان و بنگلادش کنونی گسترش یافت. این صوفیان مجالس وعظ و تذکر و خطابه‌های خود را به زبان فارسی ایراد می‌کردند و این معنی، زبان و ادبیات فارسی را در شبه قاره هند گسترش می‌داد. برای مطالعه بیشتر ر.ک به غلامعلی آریا، *طریقه چشتمه در هند و پاکستان*، ج ۱، ص ۶۹، تهران ۱۳۶۵ ش.

هدف غایی جمهوری اسلامی ایران ارتباط، همکاری، اعتمادسازی و ایجاد تعاملات هوشمند و برابر با کشورهای اسلامی، ملل مسلمان و انتقال رویکردها و دیدگاه‌های کشور به جهان اسلام بوده است. بنیانگذار انقلاب اسلامی، کعبه و حج را منبر بزرگی می‌دانست که می‌تواند بر بلندای بام انسانیت، صدای مظلومان را در همه عالم منعکس سازد (صحیفه نور، ج ۲۰: ۲۳۲). امام خمینی^(ره) در فضای بازآفرینی تفکر دینی، حج را از پوسته عبادی صرف خارج کرد و سعی داشت با پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به مناسبت حج، تصور و تفکر جهان اسلام در مورد حج را تغییر دهد و از ظرفیت‌های بی‌نظیر آن در هویت‌یابی اسلامی و معرفتی بهره بگیرد. نگرش گفتمانی ایشان اینگونه ترسیم می‌شود: «نکته مهم این اجتماعات، این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال گذشته است، به اطلاع هم برسانند و برای رفع مشکلات مسلمین فکر کنند و اجتماع بزرگ میلیونی در حجاز برای همین نکته است؛ در عین حالی که عبادت است» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۷۴). آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز همانند بنیانگذار انقلاب اسلامی، یکی از راه‌های ارتباط و انسجام اسلامی را استفاده از موسم حج در جهت معرفی انقلاب اسلامی به جوامع دیگر می‌داند و می‌فرماید: «ما معتقدیم که حج، جا و میدان ماست. این میدان، با عظمت است. معلوم است که عظمت این میدان، همان یکی، دو میلیون آدمی که آن جا هستند، نیست؛ بلکه کل دنیای اسلام است، چون هر کدام به شهرها، کشورها و خانه‌های خودشان می‌روند و خبری از حج می‌برند. پس، شما از اندونزی تا اروپا را زیر پوشش گرفته‌اید. اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که «و تکنونوا شهداء علی الناس» ایجاب می‌کند، انجام بدهید، تمام دنیای اسلام را زیرپوشش گرفته‌اید. کاری انجام شده، که با هیچ وسیله دیگری آن کار امکان ندارد. یعنی اگر ما روزنامه‌ای داشته باشیم و بتوانیم آن را در خانه این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی‌تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان شماها برای آنها ممکن است این اثر را بگذارد» (آیت‌ا... خامنه‌ای، ۱۳۷۸).

ایران چند رویکرد و استراتژی را در دیپلماسی عمومی خود مورد توجه دارد:

۱- ایجاد ارتباطی برابر و صمیمانه با تمامی جریانات، فرق و اقشار اسلامی

۲- بهره‌گیری از الگوی گفتگو برای ایجاد تفاهم متقابل

۳- ایجاد شناخت افزونتر نسبت به بنیان‌های معرفتی، الگوهای ارزشی، معیارها و هنجارهای دینی در فرایند

همکاری و تعاملی بین ملل مسلمان

- ۴- آگاهی از دغدغه‌ها، مشکلات و چالش‌هایی که ملل مسلمان در روابط اجتماعی - سیاسی و تعاملات و برنامه‌های خود با آن مواجه هستند
- ۵- تلاش برای دستیابی به گفت‌وگو مشترک که تعاملات را پس از حج تداوم داده و محدود به عرصه حج نباشد
- ۶- ارائه تصویری واقع‌بینانه از اهداف، گفت‌وگو، رویکردها و باورهای جمهوری اسلامی ایران نسبت به ملل مسلمان، الگوهای دینی و روابط سیاسی - اجتماعی
- ۷- نقد گفت‌وگویی روابط و ساختارهای جاری به گونه‌ای که فضا برای زیست مناسب‌تر و انسانی‌تر در کشورهای اسلامی پدیدار گردد
- ۸- نقد تحولات فرهنگی در سطح جهان و آثار آن بر نظامات اخلاقی و ضرورت بازاندیشی دفاع از الگوهای فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های دینی
- ۹- ارتقاء سطح تفاهم نظری بین مسلمانان که رویکردهای دشمنان برای تعارض‌آفرینی و ایجاد جریان‌های انحرافی را با انسداد مواجه سازد
- ۱۰- حمایت و کمک به رشد و تعالی فکری، فرهنگی و علمی کشورهای مسلمان از طریق تعاملات مردمی.

۲-۳- حج و انسجام درون دینی

یکی دیگر از اقدامات و راهبردهای امام خمینی (ره)، تأکید بر وحدت مسلمانان است. یکی از بزرگ‌ترین ثمرات و نتایج ارزشمند حج ابراهیمی، اتحاد و انسجام بین مسلمانان جهان از اقوام، طوایف، کشورها و مذاهب اسلامی است.

امام خمینی (ره) تا آنجا مسأله وحدت را مهم و استراتژیک می‌دانند که حتی در بجا آوردن برخی عبادات و رعایت برخی احکام شرعی، مقلدان و پیروان خود را به رعایت آداب و احکام اهل سنت دعوت می‌کنند و نه تنها حضور در نمازهای جماعت آنها را لازم می‌دانند، بلکه از برگزاری نماز جماعت در سایر مکان‌ها یا انجام کارهای خلاف رویه برادران اهل سنت نهی می‌کنند. «لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است، جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منزل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است، جداً اجتناب کنند» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۶۱). ایشان در

فرازی دیگر از توصیه‌هایشان می‌گویند: «در وقوفین متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت لازم است، اگرچه قطع برخلاف داشته باشید» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۶۳). ایشان در بسیاری از پیام‌ها بر مسأله وحدت مسلمین و پرهیز از تفرقه تأکید داشت و از حجاج می‌خواستند با رعایت اصول اخلاقی و انسانی و با برخورد برادرانه و دلسوزانه با سایر مسلمانان و حتی مدارا با مخالفین و دشمنان، ریشه‌های وحدت اسلامی را مستحکم‌تر کنند و بهانه‌ای برای تفرقه به دست مسلمین ندهند. البته امام به دنبال وحدت هدفمند و اثربخش بوده است، یعنی وحدتی که منجر به نزدیکی مسلمانان و اندیشمندان اسلامی برای هم‌اندیشی و چاره‌جویی مسلمانان گردد؛ وحدتی که موجب دستیابی به رویکردی مشترک گردد، نه اینکه صرفاً یک اجتماع تشریفاتی باشد که هیچ آثار عملی و نفعی برای حل مشکلات مسلمانان در پی ندارد. مقام معظم رهبری نیز در راستای تحقق چنین وحدتی مسأله وحدت را از اصلی‌ترین مسائل حج می‌دانند: «حج باید آئینه اتحاد باشد نه آئینه اختلاف. مسلمین را به اتحاد کلمه ترغیب کند و از کید دشمنان برحذر داشته شوند... وحدت و همدلی پیروان مذاهب اسلامی و پرهیز از اختلاف فرقه‌ای و قومی باید از برجسته‌ترین شعارهای نخبگان باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰).

ایشان در فرازی دیگر در رابطه با نقش حج به عنوان یک پشتوانه عظیم برای امت اسلامی می‌فرمایند: «حج مظهر نمونه‌ای از پشتوانه عظیم و تمام نشدنی و غیرقابل شکست را در برابر چشمان ما می‌گذارد. حج فرصت عظیم و بزرگ و ذی‌قیمتی است که استفاده از آن صرفاً به نفع یک گروه مسلمان یا یک ملت خاصی نیست، فایده‌اش برای همه مسلمانان است و به همه برمی‌گردد. نهایت اینکه حج مجمعی برای متحد کردن آرا و دل‌ها در زمینه‌های گوناگون است. اینجا اردوگاه بزرگ امت اسلامی است. اینجا محل تجلی امت واحده اسلامی و مظهر عزت معنوی و قدرت بشری مسلمانان است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸). بنابراین وحدت و حفظ عزت مسلمین در موسم حج برای ارائه ظرفیت عظیم مسلمانان و در راستای حل معضلات و مشکلات امت اسلامی در دعوت امت اسلامی به وحدت بوده است و می‌توان گفت در بُعد سیاسی، مهمترین کارویژه حج، ایجاد وحدت است که الگوی دیپلماسی عمومی این فرایند را تسهیل و چنانچه با برنامه‌ریزی و تکاپوی دقیقی همراه باشد، امکان ارتباط و ایجاد تفاهم حول ارزش‌ها و معیارهای مشترک را تسهیل و عاملی برای پیوند و انسجام است.

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین عرصه‌های ارتباطی به منظور بسط و توسعه روابط بین ملل مسلمان مراسم عبادی-سیاسی حج است. حج ابراهیمی را می‌توان تجلی تعامل دو سویه، تحقق قدرت نرم به معنای توانایی ارتباطی در رفتار

امت اسلامی بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. اتخاذ الگوی دیپلماسی عمومی بین ملل مسلمان صرف نظر از تعلقات هویتی، جغرافیایی و یا نگرش‌های مذهبی، بنیانی است برای ایجاد ارتباط، کسب تفاهم، رفع سوءبرداشت‌ها و ذهنیت‌های کاذبی که در فرایند زمان و در اثر ذهنیت‌سازی و تفسیرهای موهوم و کاذبی که ایجاد شده است، اگر ارتباط، گفتگو و تعامل در بستر برابر، صمیمانه و عاری از تمایزات و با ترجیحات سیاسی باشد، ملل مسلمان را به همسویی و همگرایی بیشتر ترغیب خواهد کرد. حج بنیانی است برای ارتباط و آئینی است که ارزش‌ها، باورها، هنجارها و علائق و دل‌بستگی‌های اعتقادی را متجلی می‌سازد. مسلمانان در بستر این آئین‌هاست که وقوف بیشتری به هویت، ارزش‌ها و وفاق دینی می‌یابند و زمینه گفتگو، تفاهم و تعامل تسهیل می‌شود. دیپلماسی عمومی در فرایند حج می‌تواند سازوکار و منبع بنیادینی برای همکاری و دستیابی به نظامات نظری و گفتمانی مشترک باشد.

البته ناگفته نماند که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در زمینه توسعه دیپلماسی فرهنگی حج، به دلیل مشکلات ساختاری و کارکردی داخلی نظیر نداشتن نگاه راهبردی و سند ملی توسعه روابط فرهنگی، عدم توجه به ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مقدرات فرهنگی، نداشتن درک و شناخت درست و جامع از تحولات و محیط فرهنگی بین‌المللی و منطقه‌ای، کمبود نیروی انسانی متخصص و عدم برنامه‌ریزی اجتماعی هوشمند، عدم توجه به سطوح مخاطبین و اولویت‌بندی کشورها و همچنین مبارزه منفی کشورهای رقیب و برساخته منفی که تحت تأثیر رسانه‌های مخالف انسجام در ذهن مخاطبین شکل گرفته است، استفاده از این نوع دیپلماسی برای تغییر انگاره‌ها و ایستارهای امت اسلامی هنوز به نقطه مطلوبی نرسیده است، اما تسهیل در فرایندهای ارتباطی از طریق شبکه‌های اجتماعی، فضای سایبری و ارتقاء سطح دانش و اطلاعات متقابل بین ملل و فرق اسلامی، زمینه‌های همکاری و همگرایی را تقویت و می‌توان پیش‌بینی کرد. در صورت هدف‌گذاری و بسیج منابع دقیق، این نوع دیپلماسی مقدمه تحولات بزرگی برای تعمیق گفتمان دینی است.

منابع

- اسماعیلی، علی محمد (۱۳۸۸)، *دیپلماسی رسانه‌ای*، تهران: مؤسسه جام جم.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، جلد ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸ الف)، *صحیفه امام*، جلد ۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸ ج)، *صحیفه امام*، جلد ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خمینی، روح الله (۱۳۶۴ ت)، *صحیفه نور*، ج ۹؛ مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

امام خمینی، روح الله (۱۳۶۴)، *صحیفه نور*، ج ۲۰؛ مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸ ب)، *صحیفه امام*، جلد ۱۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خمینی، روح الله (۱۳۶۴)، *صحیفه نور*، ج ۱۲، مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۳)، *فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی*؛ ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی، دو فصلنامه دین و ارتباطات، شماره ۲۱.

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰)، *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج* ۲۳/۰۴/۱۳۷۰.

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰)، *بیانات مقام معظم رهبری مورخ ۸۰/۱۱/۱۷ در دیدار با اعضای شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی*.

خانی، محمدحسن (۱۳۸۴)، *دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها*، فصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، پاییز و زمستان.

دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، *الزامات دیپلماسی فرهنگی ایران*، مجله همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۸، اسفند ۱۳۹۰.

شیرازی، ابوالحسن، حبیب اله (۲۰۱۷)، *دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل*. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، (۱۰) ۳۸.

فروند، ژولین (۱۳۶۸)، *جامعه شناسی ماکس وبر*، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، انتشارات رایزن.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، *از دیپلماسی مدرن به دیپلماسی رسانه‌ای*، مجله پژوهش حقوق عمومی، پاییز و زمستان، شماره ۱۷.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۲)، *مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و روسیه*، قم: دفتر نشر معارف.

هادیان، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۸)، *جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی*، فصلنامه روابط خارجی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره ۳.

Henrikson, Alan ,K (2006), *What Can Public Diplomacy Achieve*, at <http://www.clingendael.nl/sites/default/files/What-can-public-diplomacy-achieve.pdf>
http://www.peacepalacelibrary.nl/ebooks/files/UNIDIR_pdf-art2726.pdf
http://www.rand.org/pubs/occasional_papers/Rand_OP134.pdf
http://www.ri.ie.ufrj.br/intranet/arquivos/power_and_interdependece.pdf
Mahadev Desai (1968), *Day-ta-Day with candhi* .(varan asie .1968) Vol. 2. P. 23

Ninkovich, Frank (1996), *U.S. Information Policy and Cultural Diplomacy*, Publisher: Foreign Policy Assn.

Nye, Josephs (1991), *bound to lead: the changing nature of American power*, Basic books.

Nye, Josephs (2004), "*Hard Power, Soft Power and the War on Terrorism*", In American Power in the 21st century, *Ed by David held and Mathias Koenig, Cambridge: policy press.*

Peter, Jones (2008), *Track Two diplomacy and regional security in the Middle East*, Achieve at:

O. Keohane an Robert d Joseph S. Nye (1998), *Power and Interdependence in the Information Age*. available at:

Wolf, Charles and Brian, Rosen (2004), *Public Diplomacy: How to Think About and and improve it* available at: